هو العلیم

کلام امیرالمؤمنین علیه السّلام در رابطه با حذاقت رسول خدا در معالجۀ امراض روحی

بسم اللَه الرحمن الرحیم

أمیرالمؤمنین علیه السّلام در «نهج البلاغة» خطبه‌ای دارد که در ضمن آن راجع به حذاقت رسول خدا در معالجۀ امراض روحی، جمله‌ای را بیان میفرماید که حقّاً آن جمله، دربارۀ قرآن و حذاقت آن صادق است.

طَبِیبٌ دَوَّارٌ بِطِبِّهِ. قَدْ أَحْکمَ مَرَاهِمَهُ. وَ أَحْمَی مَوَاسِمَهُ. یضَعُ ذَلِک حَیثُ الْحَاجَةُ إلَیهِ؛ مِنْ قُلُوبٍ عُمْی، وَ ءَاذَانٍ صُمٍّ، وَ أَلْسِنَةٍ بُکمٍ. مُتَّبِـعٌ بِدَوآئِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَیرَةِ.

«رسول خدا صلّی اللَه علیه وآله وسلّم طبیبی بود که در طبّ خودش دوّار بود. (یعنی زیاد دور میزد بر روی مرض، و اقسام آن، و ارتباط امراض با هم؛ و زیاد دور میزد بر روی دارو و درمان. و حکیم حاذق و مطّلع به همۀ جوانب مرض و تمام طرق درمان آن بود.) که آنحضرت مرهمهای خود را خوب استوار میساخت، و در عین حال آلتهای داغ را برای سوزاندن موضع فساد و زخمهای عفونی خوب داغ میکرد و میگداخت. و در اینصورت آن مرهمها را و آن آلتهای داغ کننده را بر جاهائی که لازم بود و نیاز به مرهم گذاری و یا داغکردن بود، می‌نهاد.

مواضع مورد حاجت به مرهم نهادن و داغ کردن، دلهائی بود که کور شده بودند، و گوشهائی که کر شده بودند، و زبانهائی که گنگ و لال گردیده بودند.

رسول خدا این داروهای خود را به مواضع غفلت و بیخبری، و مواطن حیرت و سرگردانی میرسانید، و میکشانید تا بدانها برسد.»

دواهائی که برای قلبهای کور مفید است، دواهائی است که فهم را باز میکند، و وجدان را بیدار مینماید. و آنچه برای گوشهای کر مفید است، إنذار و وعده، و موعظه، و تخویف و تحذیر، و ترغیب و تشویق؛ و آنچه برای زبانهای لال مفید است، خصوص آن داروئی است که زبان را به ذکر خدا درآورد و آن لسان گنگ را گویا سازد. مرحوم ملاّ فتح اللَه کاشانی در «شرح نهج» فرموده است: «أمیرالمؤمنین علیه السّلام از طَبیبٌ دَوَّارٌ بطِبِّهِ، نفس نفیس خود را اراده نموده است.» ولیکن از ظاهر سیاق، بعید است.

باری، روح مقدّس رسول اللَه که حقیقت قرآن است؛ همانطور که طَبیبٌ دَوَّارٌ بطِبِّهِ است، قرآن هم طَبیبٌ دَوَّارٌ بطِبِّهِ است که بشر را از امراض مهلکه و خانمانسوز نجات میدهد